

دکتر بابک مسعودی نفرشی
وکیل پایه یک دادگستری

وکالت ظاهری در حقوق اروپا و تجارت بین الملل

وکالت ظاهری Mandat Apparent به تعبیر ساده، اختیاراتی است که پس از خاتمه وکالت برای وکیل منعزل قرض می‌شود بدیهی است این اختیارات بدلیل انفساخ رابطه حقوقی وکالت، فاقد جنبه واقعی بوده و به منظور حفظ حقوق اشخاص ثالثی برقرار می‌شود که به ظاهر متعارف وکالت اعتماد کرده‌اند.

از این رو، می‌توان چنین وکیلی را وکیل ظاهری نامید و اختیارات ظاهری وی را یکی از مجاری اعمال «تئوری ایجاد و انتقال ظاهری حق»^۱ محسوب کرد.

مطالعات تطبیقی نشان می‌دهد که در نظامهای حقوقی کشورهای اروپائی و کنوانسیون‌های بین‌المللی از حقوق اشخاص ثالث حمایت شده است این حمایت در اشکال حقوقی نمایان شده که همگی خاستگاه مشابهی دارند و مفهوم وکالت ظاهری نیز یکی از همین اشکال می‌باشد.

مقاله پیش رو به ارائه مطالعات تطبیقی پیرامون مفهوم اخیرالذکر اختصاص دارد و با دو هدف انجام گرفته است. هدف نخست اینکه نشانه‌ای از رعایت حقوق ثالث و حمایت

۱- برای دیدن مفهوم، ارکان و آثار این تئوری، نگاه کنید به سلسله مقالات نگارنده به شرح ذیل:

- روزنامه اندیشه نو، شماره ۱۰۳، مورخ ۸۵/۳/۱۰
- روزنامه اندیشه نو، شماره ۱۱۳، مورخ ۸۵/۳/۲۵
- روزنامه اندیشه نو، شماره ۲۴۳، مورخ ۸۵/۹/۲۱
- روزنامه اندیشه نو، شماره ۲۴۶، مورخ ۸۵/۹/۲۵
- روزنامه آفرینش، شماره ۲۵۵۲، مورخ ۸۵/۸/۲۱
- روزنامه دنیای اقتصاد، شماره ۱۵۰۱، مورخ ۸۷/۲/۱
- روزنامه دنیای اقتصاد، شماره ۱۵۰۲، مورخ ۸۷/۲/۲

از اعتمادکننده به ظاهر در حقوق تجارت بین الملل بدست دهد. رهیافت نویسنده در این حوزه محدود به حفظ حقوق اشخاص ثالث در کنوانسیون بین المللی نمایندگی تجارته و نیز اصول حقوق حاکم بر قراردادهای بازرگانی بین المللی (تدوین شده بوسیله موسسه بین المللی یکنواخت کردن حقوق خصوصی) میباشد که هر دو آنها با دیدگاهی فراملی و جهانی تنظیم شده اند. هدف دیگر اینکه با مطالعه تطبیقی در حقوق اروپا، عکس العمل قانونگذاران خارجی در قلمرو سرزمینی کشور متبوعشان ملاحظه گردد تا معلوم شود سایر ملل چگونه با این پدیده حقوقی کنار آمده اند. مطالعه اخیر در میان کشورهای اروپائی، صرفاً به نظامهای رومانیستی منحصر شده است، و به دلیل گستردگی بحث از تحقیق در حوزه حقوق انگلیس (با نظام حقوقی کامن لا) پرهیز گردیده که شاید مطالعه آن (بویژه با تکیه بر تئوری های فرعی نظیر Undisclosed Principal) به فرصتی دیگر موکول شود.

کنوانسیون ۱۹۳۰ ژنو راجع به اسناد تجاری (ماده ۱۷- اصل عدم استماع ایرادات)، کنوانسیون ۱۹۸۸ آنسیترال راجع به اسناد تجاری (ماده ۳۶- اصل عمل به ظاهر در امضای سند تجاری به نمایندگی)، کنوانسیون ۱۹۸۰ آنسیترال راجع به بیع بین المللی کالا (مواد ۱۸-۲، ۱۸-۱، ۲۳-۱، ۳۸-۱، ۳۹-۱، ۴۳-۱، ۴۹-۲، ۶۳-۱، ۶۵-۱، ۶۵-۲، ۷۲-۲، ۷۳-۲ و ۷۵-۲ - اصل معقولیت)، کنوانسیون ۱۹۸۳ ژنو راجع به عاملیت تجاری (مواد ۱۹ و ۱۳- اصل تبعیت تعهدات و اختیارات از ظاهر) مثالهایی از رعایت این قاعده عمومی است.

به همین ترتیب یکی از مهمترین اصول کلی حقوقی پذیرفته شده دیوان دادگستری اروپا، «اصل حمایت از انتظارات مشروع متعارف» است، که از عمومیت نسبی میان کشورهای عضو (به ویژه در حقوق آلمان) برخوردار می باشد.^۱ به موجب این اصل، انتظارات مشروع و متعارف اشخاص ذینفع باید رعایت گردد. در تحلیل منطقی اصل مذکور، می توان اعتماد و انتظار معقول اشخاص ذینفع که ناشی از ظاهر متعارف ایجاد شده برای ایشان است را به عنوان مبنای توجیهی پذیرش اصل موصوف، ذکر کرد که از نظر مبنای «اعتماد به ظاهر»، با «تئوری ایجاد و انتقال ظاهری حق» نزدیکی دارد.

۱- مایک کاتبرک، حقوق اتحادیه اروپا، ترجمه دکتر بهروز اخلاقی و ... انتشارات موسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش، ۱۳۸۰، ص ۳۸.

اکنون می‌خواهیم معماری برخی نظامهای حقوق ملی و فراملی در اجرای وکالت ظاهری را به عنوان یکی از مصادیق تئوری پیش گفته شاهد باشیم.

۱) حقوق فرانسه

حقوق فرانسه برای اقدامات وکیل بی‌خبر از عزل خود که معاملاتی را با شخص ثالث انجام داده، اعتبار قائل شده و موکل را مکلف به انجام تعهد در مقابل ثالث با حسن نیت کرده است.^۱

مطابق مادتين ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ قانون مدنی فرانسه، خبر عزل باید به وکیل ابلاغ شود، در غیر اینصورت چنین عزلی در برابر شخص ثالث با حسن نیت و ناآگاه از عزل قابل استناد نیست. بعلاوه مقررات ماده ۱۱ قانون ۲۵ ژوئن ۱۹۹۱ فرانسه ترتیبات مخصوصی برای عزل (و البته برای فسخ از سوی دو طرف قرارداد) در نظر گرفته است. بر اساس این ماده طرفین وقتی می‌توانند قرارداد را فسخ کنند که قبلاً اخطاری برای طرف مقابل بفرستند. اگر مدت اجرای قرارداد یک ساله باشد، مدت اخطار نباید از یک ماه کمتر باشد و در سال دوم، دو ماه و برای سال سوم و بالاتر نباید از سه ماه کمتر باشد و البته طرفین نمی‌توانند مدت‌های فوق‌الذکر را کوتاهتر از حداقل مذکور کنند ولی می‌توانند اخطارهایی با مهلت طولانی‌تر پیش‌بینی کنند. بدین ترتیب گرچه در بند یک ماده ۲۰۰۳ قانون مدنی فرانسه، عزل وکیل از سوی موکل یکی از طرق پایان دادن به وکالت است اما قانونگذار فرانسوی مطابق مواد بعدی، ضرورت ابلاغ عزل وکیل و آگاهی اشخاص ثالث را برای تاثیر آن پیش‌بینی کرده است. عبارت دیگر، گرچه عقد وکالت بر اثر عزل وکیل برچیده می‌شود ولی به حکم قانونگذار و برای دفع ضرر اشخاص ثالث، وکیل مزبور ظاهراً به عنوان وکیل قلمداد شده و به همین خاطر، اختیارات وی را ظاهری می‌نامند.^۲ حفظ حقوق اشخاص ثالث ایجاب می‌کند که اعطای وکالت و پایان دادن به آن به نحوی انجام شود که هر کسی بتواند آن را احراز کند و هرگاه عدول موکل از این رفتار متعارف، موجب گردد تا اشخاص ثالث به دلالت ظواهر امر، اعتقاد بر بقای وکالت پیدا کنند موکل باید به نتیجه معامله وکیل ظاهری و شخص ثالث، ملزم گردد.^۳

1- G. Ripert et J. Boulanger, Traite de Droit Civil, L.G.d.J, 1985, t.3, P.711.

2- Henri Mazeaud, Lecons de Droit Civil, 1968, T.3, No.1391.

3- Colin et Capitant, Cours Elementaire de Droit Civil Francais, 1953, T.2, No. 1366.

در این زمینه دیوان کشور فرانسه به موجب رای مورخ ۱۳ دسامبر ۱۹۶۲ اعلام کرده است که هرگاه اعتقاد و اعتماد شخص ثالث بر قلمرو اختیارات وکیل، متعارف باشد، موکل پای بند به آن است و بنابراین مبنای اختیارات ظاهری وکیل را، اعتقاد و اعتماد مشروع ثالث به ظاهر متعارف اقدامات وکیل قرار داده است.^۱ لذا اگر ثابت شود شخص ثالث از عزل وکیل آگاه بوده است (ولو اینکه خود وکیل هنوز خبر نداشته)، دیگر موردی برای چنین اختیارات ظاهری باقی نمی‌ماند.

بدیهی است در جایی که خاتمه وکالت نه بخاطر عزل وکیل بلکه به لحاظ فوت یا ورشکستگی موکل خاتمه می‌یابد.^۲ (ماده ۲۰۰۳ قانون مدنی فرانسه) نیز همین قاعده جاری است. مادامی که موضوع فوت یا ورشکستگی موکل عینی نشده و متعارفاً اشخاص ثالث از آن بی‌خبرند، وکیل مزبور همچنان دارای اختیار فرض می‌شود و اقداماتش نسبت به طرف معامله، معتبر قلمداد می‌گردد (مستفاد از بند ۲ ماده ۱۹۹۱ قانون مدنی فرانسه). مسلماً اختیارات چنین وکیلی پس از فوت یا ورشکستگی موکل، از نوع اختیار ظاهری محسوب می‌شود.

۲) حقوق سوئیس

حقوق سوئیس نیز بر همین منوال است. طبق بند ۱ ماده ۳۷ قانون تعهدات سوئیس، تا زمانی که وکیل از زوال اختیارات خود اطلاع نیابد، موکل بر اثر اعمال او، متعهد خواهد

1- G.Ripert et J.Boulanger, Traite de Droit Civil.L.G.d.J,1985, T.3,P.712.

۲- فوت، غیبت طولانی، سلب حقوق اجتماعی و ورشکستگی، از موارد خاتمه عقد وکالت در حقوق فرانسه و سوئیس می‌باشد مگر اینکه خلاف آن در قرارداد مورد تراضی قرار گرفته باشد که در این صورت شرط در رابطه طرفین عقد نافذ لیکن نسبت به اشخاص ثالث بلااثر می‌باشد (مستفاد از بند ۱ ماده ۳۵ قانون تعهدات سوئیس و ماده ۲۰۰۳ قانون مدنی فرانسه). در حقوق ایران، چنین شرطی حتی نسبت به طرفین عقد وکالت نیز بلااثر تلقی می‌شود چرا که برخلاف قانون امری (ماده ۹۵۴ قانون مدنی ایران) و طبیعت عقود اذنی (ماهیت اذن) می‌باشد و بدین لحاظ تخلف‌ناپذیر است. یعنی قاعده‌ای است که اراده طرفین عقد توانایی مخالفت با آن را ندارد. (دکتر محمد حسین شهبازی، مبانی لزوم و جواز از عمل حقوقی، انتشارات موسسه مطالعات حقوقی فرزندان داد آفرین، ۱۳۸۴، ص ۸۷ برای دیدن نظر مخالف نگاه کنید به دکتر حسنعلی درودیان، تقریرات در حقوق مدنی ۳، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۶۹، ص ۳۷) به استثنای مورد مذکور در ماده ۷۷۷ قانون مدنی ایران که نیابت اعطایی برای دوره بعد از فوت موکل معتبر اعلام شده که البته برخی، ماهیت آن را غیر از عقد وکالت و نیابت، در چارچوب «وصایت» قلمداد کرده اند (دکتر ناصر کاتوزیان، قانون مدنی در نظم حقوق کنونی، انتشارات دادگستر، ۱۳۷۷، ص ۴۸۸. ایشان در جایی دیگر، ماهیت این عمل را، «بیجاد حق» انگاشته‌اند همان، عقود معین عقود اذنی- وثیقه های دین، انتشارات به‌نشر، ۱۳۶۴، ش ۱۲۹).

گردید درست مانند اینکه اختیارات مزبور همچنان باقی باشد. بند ۳ ماده ۳۴ همین قانون در تکمیل بند فوق الذکر اضافه می‌کند که موکل حق ندارد به فسخ کلی یا جزیی قرارداد وکالت در مقابل اشخاص ثالث با حسن نیت استناد کند مگر اینکه مراتب فسخ را نیز بطریق متعارفی اعلام کرده باشد. همانطور که پیداست قوانین فرانسه و سوئیس در این خصوص دقیقاً مشابهت دارند و هر دو اختیارات تفویضی موکل پس از خاتمه وکالت را در برابر اشخاص ثالث ظاهراً باقی قلمداد می‌کنند. و به همین خاطر چنین کیلی را در برابر اشخاص ثالث با حسن نیت، دارای اختیار ظاهری می‌دانند. همچنین بند ۲ ماده ۳۷ قانون مذکور، مبنای وکالت ظاهری را اعتماد اشخاص ثالث ذکر کرده و مقرر می‌دارد: «مواردی که اشخاص ثالث از زوال اختیارات وکیل اطلاع پیدا کرده باشند، از قاعده فوق مستثنی است».^۱ یعنی اختیارات ظاهری در این مواقع متفی و شخص ثالث نمی‌تواند در برابر موکل به آن استناد کند چرا که مبنای پیدایش چنین اختیاری صرفاً اعتماد شخص ثالث به ظاهر صحیح وکالت است و حال آنکه در صورت اطلاع شخص ثالث از خاتمه وکالت، دیگر مورد برای اعتماد و حسن نیت ثالث باقی نمی‌ماند تا بر اساس آن بتوان بقای اختیارات ظاهری وکیل را به نفع شخص ثالث تصور کرد.

بدین ترتیب در چارچوب قاعده اختیارات ظاهری وکیل پس از خاتمه وکالت، دو رابطه قابل تفکیک از یکدیگرند:

رابطه اول میان وکیل و موکل که مبتنی بر ایجاد و انتقال واقعی حق بوده و به واقع، اختیارات وکیل از بین رفته است.

رابطه دوم نسبت به اشخاص ثالث که مبتنی بر ایجاد و انتقال ظاهری حق بوده و ظاهراً اختیارات وکیل تداوم دارد.

۳) حقوق آلمان

مقررات یاد شده در دو شماره بالا مورد توجه دیگر قانونگذار اروپای قاره‌ای نظیر آلمان نیز قرار گرفته است به طوری که در حقوق این کشور نیز از حقوق اشخاص ثالث در قبال نحوه خاتمه دادن وکالت حمایت گردیده است اما این حمایت به روشنی دو نظام حقوقی فرانسه و سوئیس نیست بلکه تنها الزامات و تشریفات خاصی برای چگونگی

۱- قانون تعهدات سوئیس، ترجمه مرحوم دکتر جواد واحدی، انتشارات میزان، ۱۳۷۸، ص ۲۲.

خاتمه دادن وکالت پیش بینی شده که عدم رعایت آن از سوی طرفین عقد وکالت، موجب مسؤلیت ایشان در برابر شخص ثالث می‌گردد.

اما این مسؤلیت به معنی ابقای اختیارات ظاهری وکیل و اعتبار معامله ثالث نمی‌باشد بلکه صرفاً ضمانت اجرایی برای حمایت از شخص ثالث در پرتو قواعد مسؤلیت مدنی است. لزوم این حمایت در رابطه با خاتمه دادن به قرارداد وکالتی که بدون مدت تنظیم شده باشد بیشتر احساس میشود چرا که اعتماد متعارف شخص ثالث به صحت ظاهری چنین وکالتی و عدم پیش بینی زمان خاتمه آن بیشتر است.^۱

۴) حقوق تجارت بین الملل

۴-۱) کنوانسیون عاملیت تجاری ۱۹۸۳ ژنو

کنوانسیون عاملیت تجاری که در ۳۵ ماده و در تاریخ ۱۷ فوریه ۱۹۸۳ میلادی به امضاء و تصویب رسیده است، مسأله ضرورت خاتمه متعارف عاملیت (وکالت) عامل تجاری و عدم تزامم آن با حقوق اشخاص ثالث را با نگاهی عمیق و طی حکمی جامع در ماده ۱۹ بصورت زیر آورده است:

«ختم یا فسخ اختیارات عامل تجاری نباید بر حقوق اشخاص ثالث اثر بگذارد مگر اینکه ثالث از فسخ یا وقایعی که سبب فسخ شده آگاه باشد یا از اوضاع و احوال برآید که ثالث می‌باید از ختم یا فسخ اختیارات عامل آگاه بوده باشد.»^۲

گرچه ماده ۱۹ کنوانسیون متضمن حکمی صریح درباره ضرورت ابلاغ عزل عامل تجاری نمیباشد ولی قاعده کلی تمهید شده در ماده مزبور، مبنایی را بدست میدهد که ضرورت فسخ یا ختم قرارداد عاملیت (عزل عاملیت تجاری) به سادگی از آن قابل استنباط باشد چرا که از نظر کنوانسیون، اقدام موکل برای عزل عامل تجاری در هر حال نباید به نحوی باشد که حقوق اشخاص ثالث را تضییع کند. بدیهی است هرگاه عزل عامل تجاری به نحوی باشد که هر شخص معمولی متعارفاً و نوعاً نتواند از آن مطلع گردد، در این صورت حاوی هیچگونه اثری به ضرر اشخاص ثالث نخواهد بود. به عبارت دیگر در فرض بالا، با وجود خاتمه وکالت، عامل تجاری از نظر کنوانسیون کماکان دارای اختیار

1- Mueller, Stiefel, Brucher-Doing business in Germany, Fritz Knapp Verlag, Frankfurt Am Main, 1970, P.35.

2- Convention on Agency in the International Sale of Goods, Geneva, 1983, Art. 19.

فرض میشود و از همین رو اختیارات وی پس از خاتمه وکالت به عنوان اختیارات ظاهری محسوب میگردد.

فرض اختیارات ظاهری برای عامل تجاری در بازرگانی بین‌المللی به تجویز ماده ۱۹ کنوانسیون عاملیت تجاری، بی گمان برای حمایت از اشخاص ثالث بوده و مبتنی بر «قاعده اعتماد به ظاهر متعارف» می‌باشد.

۲-۴) اصول قراردادهای بازرگانی بین‌المللی ۱۹۹۴ یونیدروا

اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی موسسه بین‌المللی یکنواخت کردن حقوق خصوصی (معروف به یونیدروا) همانند کنوانسیون عاملیت تجاری به موضوع حفظ حقوق اشخاص ثالث در رابطه با نحوه خاتمه دادن اختیارات نماینده (وکیل) اهمیت داده است. در فصل دوم این اصول^۲، ماده ۱۰-۲-۲ تحت عنوان «خاتمه یافتن اختیارات Termination of authority» به موضوع یاد شده اختصاص دارد. بند یک ماده مزبور در این خصوص چنین مقرر می‌دارد: «خاتمه یافتن اختیارات درباره طرف ثالث موثر نمی‌باشد مگر اینکه طرف ثالث از آن مطلع بوده یا بایستی مطلع می‌بوده باشد».

شرحی که موسسه یونیدروا در حاشیه ماده فوق‌الذکر آورده به قرار زیر است: دلایل خاتمه یافتن اختیارات نمایندگی، هر چه که باشد، این خاتمه یافتن در ارتباط با طرف ثالث موثر نخواهد بود مگر اینکه طرف ثالث از خاتمه یافتن نمایندگی مطلع

1- UNIDROIT.

2- The Principles of International Commercial Contracts by UNIDROIT.

اصول قراردادهای بازرگانی بین‌المللی یونیدروا در سال ۱۹۹۴ میلادی با اجازه رسمی شورای سرپرستی موسسه بین‌المللی یکنواخت کردن حقوق خصوصی (یونیدروا) در زمینه حقوق تجارت بین‌الملل تدوین و انتشارات یافت. آخرین ویرایش این اصول در سال ۲۰۰۴ میلادی انجام گرفته و نه به عنوان یک سند بین‌المللی الزام‌آور، اما به عنوان یکی از اسناد ارزشمند بین‌المللی (با جنبه ارشادی) به جوامع حقوقی عرضه شده است. هدف این اصول، برقراری مجموعه متوازی از قواعد طراحی شده جهت استفاده در سراسر جهان، قطع نظر از سنن حقوقی و شرایط اقتصادی و سیاسی کشوری است که باید در آن اجرا شوند. این اصول بر آن است تا انصاف در روابط بازرگانی بین‌المللی را با بیان صریح رعایت تکلیف عمومی حسن نیت، داد و ستد منصفانه و معیارهای رفتار متعارف تضمین کند. (برگرفته از بیانیه شورای اداری موسسه یونیدروا- مه ۱۹۹۴). این موسسه در سال ۱۹۲۶ میلادی به عنوان یکی از ارگان‌های فرعی جامعه ملل ایجاد و در شهر رم (ایتالیا) استقرار یافت. با انحلال جامعه ملل، موسسه مزبور به عنوان یک سازمان بین‌المللی در سال ۱۹۴۰ بر بنای موافقتنامه‌ای چند جانبه مجدداً تشکیل شد. در حال حاضر بیش از ۶۰ کشور از جمله ایران به عضویت موسسه مذکور درآمده‌اند. هدف موسسه، مطالعه نیازها و شیوه‌های مدرنیزه کردن، هماهنگ ساختن و یکنواخت نمودن حقوق خصوصی به‌ویژه قوانین تجاری دولت‌های عضو است. پیش‌نویس بسیاری از کنوانسیون‌های بین‌المللی حاصل کار این موسسه است.

بوده یا نوعاً باید مطلع فرض شود. به بیان دیگر، حتی اگر اختیارات نماینده به هر دلیلی خاتمه یافته باشد، اقدامات نماینده بر رابطه حقوقی بین اصیل و طرف ثالث همچنان تا زمانی موثر خواهد بود که طرف ثالث نه از خاتمه یافتن نمایندگی مطلع است و نه باید مطلع باشد.

هرگاه ابلاغی درباره خاتمه یافتن نمایندگی داده شود، تکلیف قضیه روشن است ولی اگر اختطاری داده نشود، موضوع مهم این خواهد بود که آیا طرف ثالث با توجه به اوضاع و احوال می‌بایستی از خاتمه یافتن نمایندگی مطلع شده باشد یا خیر؟ که البته شرایط و اوضاع و احوال به هر مورد بستگی خواهد داشت.^۱

مثلاً در دو نمونه توضیحی مختلف، برداشت موسسه یونیدروا از اطلاع شخص ثالث متفاوت است بطوری که در یکی از دو مثال، اوضاع و احوال ظاهری را برای مطلع فرض کردن شخص ثالث کافی میداند ولی در دیگری خیر. دو نمونه مذکور بدین شرح می‌باشند:

نمونه اول- «ب» که اصیل است یک شعبه در یک شهر «X» افتتاح می‌کند. آگهی منتشره در روزنامه‌ای محلی بیانگر آن است که «الف»، مدیر شعبه دارای اختیارات کامل برای اقدام از جانب «ب» است. هنگامی که متعاقباً «ب» اختیارات «الف» را منتفی می‌سازد، آگهی مشابهی درباره منتفی شدن اختیارات «الف» در همان روزنامه محلی منتشر می‌کند. این آگهی متعارفاً برای نافذ ساختن خاتمه اختیارات نمایندگی در مقابل مشتریان ثالث کفایت می‌کند.

نمونه دوم- «ج» که خرده فروش است بطور مکرر سفارش‌هایی را برای خرید کالاهای فروخته شده توسط «ب» (اصیل) به «الف» (نماینده فروش) داده است. این سفارشات حتی پس از اینکه اختیارات «الف» بدلیل ورشکستگی «ب» خاتمه می‌یابد، ادامه پیدا می‌کند و «الف» به قبول سفارش از «ج» کماکان ادامه می‌دهد. در این مثال، هر چند که ورشکستگی موجب قطع رابطه نمایندگی میان «الف» و «ب» می‌باشد و هر چند که روند تصفیه ورشکستگی «ب» از طریق، آگهی به اطلاع عموم رسانده میشود ولی متعارفاً برای آگاه ساختن «ج» کافی بنظر نمی‌رسد و خاتمه نمایندگی «الف» در مقابل

۱- اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی موسسه بین‌المللی یکنواخت کردن حقوق خصوصی (یونیدروا)، نسخه ویرایش شده سال ۲۰۰۴، ترجمه دکتر بهروز اخلاقی و فرهاد امام، انتشارات موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۸۵، ص ۱۱۴.

«ج» موثر و قابل استناد نخواهد بود.^۱

در مثال اخیر تفکیک دو رابطه حقوقی آشکارا به چشم می‌خورد. ورشکستگی «ب» و آگهی تصفیه ورشکستگی به طریق مقرر در قانون در رابطه میان اصیل و نماینده (موکل و وکیل)، آثار خود یعنی قطع نمایندگی و خاتمه اختیارات نماینده را به جای می‌گذارد ولی به موجب بند یک ماده ۱۰-۲-۲ اصول حقوقی یونیدروا^۲، طریق مذکور (آگهی تصفیه ورشکستگی) برای آگاه ساختن خرده فروشی که به عنوان شخص ثالث با اعتماد به وضع ظاهر کماکان جهت خرید کالاهای اصیل به نماینده وی سفارش شده است، کافی قلمداد نشده و بنابراین در رابطه با خرده فروش ثالث، نماینده مزبور کماکان دارای اختیارات ظاهری از طرف اصیل تلقی می‌شود و به تعبیر بند یک ماده ۱۰-۲-۲ فوق الذکر، خاتمه نمایندگی در برابر شخص ثالث، موثر و قابل استناد نخواهد بود.^۳



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱- همان، ص ۱۱۴.

۲- منظور، اصول قراردادهای بازرگانی بین المللی موسسه یونیدروا می باشد.

۳- در متن انگلیسی اصول حقوقی یونیدروا، عبارت «عدم قابلیت استناد خاتمه نمایندگی در برابر شخص ثالث» بند یک ماده ۱۰-۲-۲ بدین صورت آمده است:

«Termination of authority is not effective in relation to the third party...» در ترجمه فارسی آقایان دکتر اخلاقی و امام (پس نوشت قبل)، «is not effective» به معنی «عدم نفوذ» آمده، ولی با توجه به تفکیک دو رابطه حقوقی به شرح فوق اینکه در رابطه طرفینی، این اختیارات خاتمه می پذیرد اما در رابطه شخص ثالث موثر نمی‌باشد و با عنایت به اختصاص مفهوم «عدم نفوذ» به حقوق ایران، به نظر می‌رسد معنای «عدم قابلیت استناد» بر «عدم نفوذ» ترجیح داشته باشد.